



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۳، تابستان ۹۶

سیاست خارجی راهبردی از وزارت تا سفارت؛ مروری بر نقش وزارت امور خارجه

عبدالله نوروزی^۱

۱. مقدمه

در کشورها و دولت‌های جهان مرسوم است که سیاست خارجی را دولت تعیین کند و وزارت امور خارجه مسئول اجرای اهداف تعیین شده در این حوزه باشد. سفارتخانه‌ها، سرکنسولگری‌ها و نمایندگی‌های دائم نزد سازمان ملل بازوی اجرایی وزارت امور خارجه هستند. این نمایندگی‌ها در خارج از کشور مسئول مستقیم روابط با دولت‌های خارجی به شمار می‌روند. دولت‌های ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی این رویه معمول جهانی را رعایت کرده‌اند و براساس قواعد بین‌المللی که در ۱۸۱۵ م در کنگره وین^۲ مورد تأیید قرار گرفته، عمل کرده‌اند. سفیر همان سرکنسول و نماینده دائم نزد سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی و نماینده رسمی کشورها نزد کشور پذیرنده تلقی و همه موارد مابین دو کشور از این طریق حل و فصل می‌شود.

روش کار و رفتارهای ماهوی وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور برای اجرای سیاست خارجی راهبردی ایران، در این مقاله بررسی شده است.

۱. سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در سوئد و بلغارستان؛ رایانامه: ab_norouzi@yahoo.com
۲. در کنگره وین، براساس معاهده ۳۰ مه ۱۸۱۴ پاریس، که به دنبال استعفای ناپلئون و میثاق فونتن بلو منعقد شده است، مقرر شد برای حل مسائل بین‌المللی و خصوصاً تقسیم و تصرف سرزمین‌هایی که از فرانسه باز پس گرفته شده بود، کنگره‌های مرکب از نمایندگان تمام دولت‌های اروپا در وین تشکیل گردد. این کنگره از اکتبر ۱۸۱۴ تا ژوئن ۱۸۱۵ م با شرکت شاهان و شاهزادگان زیادی که نمایندگی کشورهای اروپایی را بر عهده داشتند، برگزار گردید.



۲. تاریخچه

مناسبات بین‌المللی و نظم حاکم بر جهان ریشه در تحولات اروپا دارد. علی‌رغم پیدایش دو قطب بزرگ قدرت، یعنی آمریکا و شوروی سابق، که نوعی تجدید حیات امپراتوری روسیه تزاری در قالب نوین بوده است، آنچه اکنون نظم روابط بین‌المللی را نشان می‌دهد محصول همه اتفاقاتی است که در اروپا رخ داده و سپس همه جهان از این تحولات و تغییرات متأثر شده است. جنگ دویست‌ساله موسوم به جنگ‌های صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان، نطفه‌بندی تحول فکری در اروپا را به سمت و سوی «رنسانس» کشاند و، پس از آن و طی منازعات سی‌ساله، به معاهده وستفالی در ۱۶۴۸ م ختم گردید (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۵-۴۵). اغلب متفکران علوم سیاسی معتقدند پایه‌های دولت و ملت از این زمان و با این معاهده شکل گرفته است. دویست سال بعد از معاهده وستفالی، آنچه در ۱۸۱۵ م در کنگره وین تثبیت گردید (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۲)، مبنای روابط بین‌الملل را تشکیل داده است. در اتریش، و در پایتخت آن، وین، از بعد از جنگ جهانی دوم، چندین کنوانسیون از سوی دولت‌ها به تصویب رسیده است که زیربنای همه روابط بین‌الملل و قواعد و انتظام آن را تعیین و تضمین می‌کند (بابایی و آقایی، ۱۳۶۶: ۶۷۱). نماد و شکل اداری و اجرایی این توافقات بین‌المللی نزد وزارت امور خارجه، و بازوی اجرایی آن نزد دولت‌ها یعنی سفارتخانه‌ها و مقام‌های اجرایی آن یعنی سفرا و نمایندگان رسمی دولت‌ها نزد کشور پذیرنده است.

۳. ایران و سیاست خارجی قبل از انقلاب اسلامی

دولت به شکل نوین و به معنایی که ضمن بخش پیش‌نوشتیم، در ایران، در عصر صفویه شکل گرفت (بابایی، ۱۳۶۶: ۶۷۱). ماهیت ایلی و قبیله‌ای دولت صفوی و دولت‌های بعد از آن، از افشاریه تا زندیه و حتی تا نخستین سال‌های روی کار آمدن قاجاریه (در دوره آغا محمد خان قاجار و اوایل فتحعلی‌شاه)، اجازه نمی‌داد سیاست خارجی ایران در ساختار تشکیلاتی مستقل ادامه حیات دهد؛ چرا که شاهان تصمیم‌گیرنده اصلی در کشور بودند و با دستگاه «دیوانی» که دایر بود، همه شئون مملکتی را در قالب دربار مدیریت می‌کردند. اما دگرگونی‌های اساسی که در روابط بین‌الملل بعد از کنگره وین حادث شده بود، پیشرفت‌های چشمگیر اروپا - به‌ویژه انگلیس، فرانسه، اتریش و روسیه تزاری - تأثیر اساسی، و هر چند مقلدانه‌ای، بر فتحعلی‌شاه قاجار گذاشت و موجب شد چندین وزارتخانه در ایران تأسیس شود که «وزارت امور خارجه» نیز از جمله آن‌ها بود. وزارت امور خارجه در ۱۲۰۰ ش (۱۸۲۱ م/۱۲۲۷ ق) در ایران تأسیس شد (مهران، ۱۳۸۸).

۴. نظام‌نامه وزارت امور خارجه

گرچه برادری فتحعلی‌شاه قاجار از نظام اداری اروپا و تأسیس وزارت امور خارجه، به دلیل تقلید از اروپا و بی‌توجهی به عوامل درونی و اساسی که اروپا متأثر از آن متحول گشته بود، باعث شد وزارت امور خارجه حدود هشتاد سال از زمان تأسیس همچنان فاقد هر گونه تشکیلات و ساختار مستقل باشد و



به روش قبیله‌ای اداره گردد. نخستین بار، در سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ ق ساختاری از نظام اداری وزارت امور خارجه به نام «انتظام مهام خارجه» (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵) با تلاش و کوشش میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک، وزیر خارجه وقت، فراهم گردید و به امضای ناصرالدین شاه رسید.

میرزا سعیدخان در دو نوبت وزیر خارجه شد و حدود ۲۵ سال این سمت را برعهده داشت. وی دست پرورده امیر کبیر بود و به واسطه او به دربار ایران راه یافت.

نظام‌نامه وزارت امور خارجه که امروز به آن «اساسنامه» می‌گویند، سیر تحول تکاملی را طی کرده است و در پنج نوبت متوالی از سوی مجلس شورای ملی و سنای وقت به تصویب رسیده است. این پنج نوبت به تفکیک عبارت است از: سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ ق، یعنی در عصر ناصرالدین شاه؛ ۱۲۷۹ ش (۱۳۱۸ ق)، یعنی دوره مظفرالدین شاه؛ ۱۲۸۷ ش (۱۳۲۶ ق) که دوره حکومت محمدعلی شاه بود؛ ۲۷ بهمن ۱۳۱۴ ش، یعنی عصر رضاشاه؛ و سرانجام، کامل‌ترین آن در خرداد ۱۳۵۲ ش در زمان سلطنت محمدرضای پهلوی.

آخرین نظام‌نامه وزارت امور خارجه که مربوط به سال ۱۳۵۲ ش است، برای اولین بار در قالب «قانون مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی» وزارت امور خارجه است که به صورت «قانون» به تصویب رسیده است. تا قبل از آن، در حکومت پهلوی اول، هیئت دولت و قبل تر از آن، همان‌طور که اشاره شد، شاهان قاجار آن را تأیید و ابلاغ کردند. این مقررات که اولین قانون تشکیلات وزارت امور خارجه است، بعد از انقلاب اسلامی ایران به دلیل جامعیت همچنان اساس مناسبات ساختاری و تشکیلاتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را تشکیل داده است و اجرا می‌شود. از آنجا که در این مقررات صرفاً تشکیلات و ساختارهای اداری و استخدامی وزارت امور خارجه مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است، اهداف اجرایی آن را شخص شاه مدیریت می‌کرد (مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸). مجلس شورای اسلامی، در ۱۳۶۴، قانون دیگری با عنوان «قانون وظایف وزارت امور خارجه» را تصویب کرد. این قانون تنها ضعف قانون قبلی را، که فاقد اهداف سیاست خارجی بود، برطرف کرده است. وزارت امور خارجه تنها وزارتخانه ایران است که دارای دو قانون است؛ یکی قانون مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی (اساسنامه)؛ و دیگری قانون وظایف وزارت امور خارجه. شایان ذکر و توجه است که از زمان تأسیس وزارت امور خارجه در ۱۲۰۰ تا ۱۳۶۴ ش، به دلیل اینکه همه روابط خارجی کشور را شاهان قاجار و یا پهلوی مدیریت می‌کردند، کاملاً طبیعی بود که نه در نظام‌نامه‌ها و نه در مقررات تشکیلاتی وزارت امور خارجه سخنی از اهداف سیاست راهبردی خارجی به میان نیامد. همین امر باعث می‌گردد که نگاه و توجه به راهبرد سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم مسئولیت مستقیمی که قانون برعهده وزارت امور خارجه قرار داده است، در «مقام اجرا» با دیدگاه‌های متفاوتی روبرو گردد.



۵. وزارت امور خارجه در راهبرد سياست خارجي

دو قانون يادشده به دليل تفاوت تاريخي قابل توجهي که در تصويب و اجراي آن‌ها ديده مي‌شود، حاوي نکات مهم و شايسته توجهي از ارتباط دادن گذشته به آينده است. به عبارت روشن‌تر، قانون مقررات تشکيلاتي، مالي و انضباطي محصول قريب ۱۵۰ سال همه تجربه ديوان و ديوانسالاري از صفويه تا قاجاريه و از قاجاريه تا پهلوي را در خود يکجا فراهم آورده است و دنياي سنتي ايران را به عصر مدرن و مدرنيته و کنوانسيون‌ها و سازمان ملل متحد متصل کرده و ساختاري متناسب «زمانه» تشکيل داده است و، از طرف ديگر، و در ادامه اين روند تکاملي، قانون وظائف وزارت امور خارجه در ۱۳۶۴ ش به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيد که بيانگر عصر نوين انقلابي در ايران است و خاتمه شاهنشاهي ۲۵۰۰ ساله را رقم زده است.

مهارت اين تلفيق که به زبان جامعه‌شناسي «سنت و مدرنيته» ناميده مي‌شود، شرايطي براي وزارت امور خارجه ايجاد کرده است که، تا حدود زيادي، در راهبرد سياسي در سياست خارجي شگفتي آفرين خواهد بود. ساختار تشکيلاتي وزارت امور خارجه و نيز نيروهاي شاغل در اين وزارتخانه، از بدو پيروزي انقلاب تا کنون، و روش اجرايي که در به انجام رساندن اهداف راهبردي سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران به کار بسته‌اند، بخش تکميل کننده اين مقاله است که در ادامه به اختصار به آن پرداخته مي‌شود. شايان ذکر است که جايگاه ويژه «وزارت امور خارجه» در مناسبت با اهداف راهبردي سياست خارجي در همه کشورهای جهان از جمله ايران، ايجاب مي‌کند که دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتي-تحقيقي و پژوهشکده‌هاي در داخل و همه فرهيختگان و انديشمندان ايراني خارج از کشور، روند سياست گذاري و ساختار اجرايي سياست‌هاي راهبردي در وزارت امور خارجه و به ويژه نمايندگي‌هاي جمهوري اسلامي ايران را - يعني بيش از ۱۴۰ سفارت، سرکنسولگري و نمايندگي نزد سازمان ملل متحد - بيش از بيش مورد توجه و بررسي قرار دهند.

۶. ساختار تشکيلاتي وزارت امور خارجه

نقل است در صبح پيروزي انقلاب مشروطيت در ۱۲۸۵ ش (۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م) وزارت امور خارجه فقط يازده کارمند رسمي داشته است. اطلاع دقيقي از ساختار تشکيلاتي وزارت امور خارجه از قبل و بعد از مشروطيت تا دوران پهلوي‌ها در دست نيست و يانگارنده نتوانست به چنين اطلاعاتي دست يابد. اما در صبح پيروزي انقلاب اسلامي ايران وزارت امور خارجه جمعاً ۲ هزار پرسنل رسمي داشته است که ۱۱۰۰ نفر در مرکز و ديگران در بيش از ۹۶ نمايندگي خارج از کشور اشتغال داشته‌اند. اشاره دقيق به ساختار تشکيلاتي وزارت امور خارجه، اگر چه در اين مقاله ممکن بوده و در اختيار است، اما هدف مقاله پرداختن به ساختار تشکيلاتي و نيروي انساني آن در حد مقدمات است که براي سياست‌هاي راهبردي سياست خارجي به کار آيد.



۷. سیاست راهبردی سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران

در مقدمه قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ در اشارات کلی و در فصول مربوط به سیاست خارجی، و بازنگری همین قانون در سال ۱۳۶۸ ش، مبنای سیاست خارجی ایران مشخص شده است. براساس آن قانون وظایف وزارت امور خارجه و در ادامه از اولین برنامه توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که هر پنج سال مورد اجرا گذاشته می شود، نوشته شده است. وزارت امور خارجه راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قالب برنامه دستگاه دیپلماسی کشور اجرا می نماید. از آنجا که ساختار تشکیلاتی وزارت امور خارجه، در قبل از انقلاب، متناسب با اهداف نظام شاهنشاهی و الهام گرفته از آنچه در جهان معمول بود، شکل گرفت و علی رغم اینکه طبق قانون مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی مصوب ۱۳۵۲ ش با محوریت وزیر امور خارجه تعریف و تبیین شده بود، در مقام عمل، «شاه» تصمیم گیرنده اصلی در همه سیاست گذاری های بین المللی بود و نقش تعیین کننده داشت. خاطرات سفرای آمریکا و انگلیس در ایران در روزهای پایانی حکومت و خاطرات بعضی از سفرا، از جمله پرویز راجی، آخرین سفیر شاه در انگلستان، و خصوصاً خاطرات هفت جلدی اسدالله علم که سالها وزیر دربار شاه بود، جایگاه انکارنشدنی شاه در همه شئون مملکت خصوصاً سیاست خارجی را نشان می دهد. بنابراین، طبیعی و بلکه ضروری بود که با رفتن شاه و سقوط سلسله پهلوی و طلوع انقلاب اسلامی، نه تنها اهداف ایران در قبال جهان تغییر کرده باشد، بلکه ساختار تشکیلاتی و نیروهای وزارت امور خارجه نیز متناسب با راهبردهای جدید انقلاب اسلامی ایران شکل بگیرند. وزارت امور خارجه بعد از سقوط حکومت شاهنشاهی در ایران، تغییرات تشکیلاتی اساسی داشت و مهم تر از آن، تغییرات بسیار عمدهای در جذب و تربیت نیروی انسانی خود داشته است که امیدوارم دانشجویان، دانشگاہیان و علاقه مندان به سیاست خارجی در این باره بنویسند. در اینجا تنها به این نکته اشاره می کنم که اکنون وزارت امور خارجه با قریب ۴۵۰۰ کارمند رسمی و محلی در داخل و خارج از کشور فعالیت می کند. کارمندان رسمی وزارت امور خارجه طبق اساسنامه به دو رسته سیاسی و اداری تقسیم می شوند که به کارمندان رسته سیاسی «دیپلمات» گفته می شود و دارای مقامات از پایین به بالا همچون مقام و درجه در ارتش هستند. این مقامها از بدو استخدام و داشتن شرایط لازم از وابسته شروع و در صورت حفظ شرایط و توانایی های ضروری تا مقام «سفیر» ارتقا و ترفیع می یابند. کارمندان محلی معمولاً از نیروهای بومی در هر کشور در مشاغل پشتیبانی از قبیل رانندگی و خدمات به کار گرفته می شوند. به تشخیص مدیریت وزارت امور خارجه، می توان کارمند محلی را نیز از ایران انتخاب و اعزام کرد که دارای شرایط و ضوابط مخصوص به خود است. برنامه سیاست خارجی با الهام از اصولی که در بالا ذکر کردیم، از طرف وزیر امور خارجه در هنگام اخذ رأی در پیشگاه نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی هم زمان ارائه و تأیید می گردد (رأی اعتماد به وزیر). این برنامه در شواری معاونین وزارت امور خارجه تجزیه و تحلیل می شود و در شکل تقسیم بندی شده ای بین معاونین منطقه ای و موضوعی از قبیل معاونت بین الملل و... متناسب با روند اجرایی به ادارات کل مربوط ارائه و با جریان کارشناسی عمیق که قبلاً از همین طریق



«برنامه سیاست خارجی» وزیر را تدوین کرده بودند، بازخوانی اجرایی پیدا می‌کند. توجه داشته باشید که سیاست خارجی راهبردی جمهوری اسلامی ایران به دلیل وقوع انقلاب اسلامی در نظام دو قطبی وقت در ۱۳۵۷ ش (۱۹۷۹ م) دارای ویژگی‌های خاصی بوده است که با عنوان «نه شرقی نه غربی» برندی نمونه و یکتا دارد. بنا به آنچه اشاره‌وار از شکل‌گیری «برنامه» از وزیر تا سطوح کارشناسی آوردیم، نقش آفرینی جریان کارشناسی در وزارت امور خارجه و ارائه روندهای اجرایی در سیاست خارجی در وزارت امور خارجه یکی از اساسی‌ترین مراحل اولیه از تحقق اهداف راهبردی است؛ اقدامی که در دوران پهلوی کمتر به آن توجه شده است. مواضع اعتراضی فریدون آدمیت از کارمندان برجسته وزارت امور خارجه و تاریخ‌نگار نوین ایران تأییدکننده این مدعا است (اسناد وزارت امور خارجه در خصوص جدایی بحرین از ایران).

۸. نقش نمایندگی‌ها در راهبرد سیاست خارجی

براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی و توافقی که بین دولت‌ها صورت گرفته است، «سفارت» به‌مثابه کشور و «سفیر» به‌مثابه «رئیس جمهور» نزد دولت پذیرنده محسوب می‌شود و این افراد، بنابر کنوانسیون وین، از «مصونیت» برخوردارند. سفارت و سفیر نوک پیکان اجرای «سیاست‌های راهبردی» هر کشوری نزد کشور پذیرنده است. هم‌اکنون، ایران در بیش از صد کشور جهان دارای ۱۴۰ سفارت و سرکنسولگری است و نمایندگان دائمی نزد سازمان ملل متحد در نیویورک، وین و ژنو دارد که اجرای مستقیم سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران را برعهده دارند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، طبق مقدمه و اصولی که در قانون اساسی خود تعریف کرده است، گسترده‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین روابط را با کشورهای جهان پیش‌بینی کرده است، تقریباً با همه کشورهای غیر از رژیم اشغالگر قدس رابطه داشته است (قطع رابطه با آمریکا، در قالب حفاظت منافع توسط کشور ثالث اعمال می‌گردد) و به‌صورت سفیر مقیم و یا آکر دپته (خیابانی و آقایی، ۱۳۶۶) روابط دوجانبه و یا چندجانبه خود را با کشورهای جهان مدیریت می‌کند. بنابراین، طبق مسیر و روندی که ترسیم کردیم و معمول جهان هم این‌گونه است، مراحل اهداف سیاست‌های خارجی راهبردی از مرکزیت هسته و نظام و حکومت به وزارت امور خارجه ابلاغ و نوک پیکان اجرایی آن سفارتخانه و شخص سفیر و ساختار تشکیلاتی سفارتخانه‌ها تابعی از ماهیت و کیفیت روابط دوجانبه بین ایران و کشور موردنظر است. این تشکیلات و ساختار از طرفی و نیروهای تشکیل‌دهنده آن، از سفیر تا دیپلمات‌های سفارت، از طرف دیگر، رسماً و قانوناً وظیفه محقق نمودن اهدافی را دارند که برایشان تبیین و تعریف گردیده است. نکته اساسی و قابل اشاره در این روند نوع ارتباط و هماهنگی است که، در این مرحله، بین سفارت و سفیر و مرکز (وزارت امور خارجه) برقرار می‌گردد و همه امور اجرایی سیاست خارجی براساس این نوع از همکاری پیش می‌رود.

جایگاه سفیر و سفارت در هم‌طرازی متقابل با مدیر کل منطقه ای در ستاد وزارت امور خارجه است. به عنوان مثال، سفیر کشورمان در آلمان باید همه امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی



را مستقیماً - اعم از آشکار و محرمانه - با مدیر کل منطقه‌ای خود هماهنگ کند، که در این مورد در تقسیمات وزارت امور خارجه، این فرد مدیر کل غرب اروپا است. اداره کل اروپای غربی دو اداره دارد که هریک از این ادارات تعدادی از کشورهای اروپای غربی و عضو اتحادیه اروپا را تحت پوشش قرار می‌دهند. رؤسای این ادارات و مدیر کل، حتی معاون وزیر منطقه‌ای، که در این مثال معاون اروپا و آمریکا است، نقش مستقیم در هدایت و راهبری امور سیاست راهبردی سفارت و سفیر در روابط دوجانبه را ایفا می‌کنند. در این میان، در نوع روابطی که بین سفارت و سفیر و مرکز - به شرحی که آوردیم - برقرار می‌شود و پیشرفتی که در امور انتظار می‌رود، عوامل و معادلات گوناگونی دخیل‌اند. اما نکته قابل توجه نقشی است که امور اداری و رسته اداری در روند سفارت با سفیر و متقابلاً با مرکز و ادارات مرکز به غیر از ادارات کل منطقه‌ای و سیاسی بر عهده دارند و در بعضی از مواقع از جمله در امور مالی و بودجه سفارت نقش تعیین کننده‌ای را هم در توسعه و هم در فلج ساختن پیشرفت امور سفارت عملی می‌سازند. چگونگی پیش‌بینی بودجه سفارت فارغ از حقوق تعداد کارکنان رسمی و محلی که همواره از قواعد ثابتی پیروی می‌کند، در سایر امور - اعم فرهنگی و سیاسی - و امور جاری سفارت حاوی متغیرهای متعددی است و به دلیل نقش تعیین کننده‌ای که می‌تواند در فعالیت‌های سفارت خصوصاً سفیر داشته باشد، بازنگری در فصول بودجه‌ای سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور نه تنها در وزارت امور خارجه بلکه در سازمان برنامه و بودجه کشور، که میزان و سقف بودجه وزارت امور خارجه را تعیین می‌کند، ضرورتی غیر قابل انکار است. ضرورتی که متأسفانه کمتر به آن توجه شده و بخش بزرگی از عدم پیشرفت لازم در همکاری‌های راهبردی سیاست خارجی در هماهنگی سفارت و سفیر با مرکز را دچار آسیب‌های جدی ساخته است و می‌سازد.

پرسش اساسی از این ساختارها و تشکیلات نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و نیروهایی که، در قالب سفیر تا دیپلمات و کادری‌های اداری و فنی، نمایندگی را تشکیل می‌دهند، این است که تا چه اندازه قادر به اجرا و پیشبرد اهداف سیاست‌های راهبردی هستند. پاسخ به این پرسش نیازمند مقاله و تحقیق مفصل دیگری است که اقدام به آن می‌تواند گره‌های موجود در پیشبرد اهداف راهبردی سیاست خارجی را تحلیل و تشریح و تبیین نماید.

کتابنامه

- نقیب‌زاده، احمد. ۱۳۸۹. تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل از پیمان وستفالی تا امروز. تهران: قومس.
- نقیب‌زاده، احمد. ۱۳۹۰. تحولات روابط بین الملل از کنگره وین تا امروز. تهران: هرمس.
- خیابانی، غلامرضا و بهمن آقایی. ۱۳۶۶. فرهنگ علوم سیاسی. جلد ۲. نشر وین.
- مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ). ۱۳۸۷. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم. چاپ ۱۳. تهران: امیر کبیر.
- پیدا و ناپیدای دیپلماسی: گزیده‌ای از گزارش‌های سیاسی سفرای ایران. ۱۳۸۸. به کوشش مجید مهران.



- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- ممتحن الدوله، مهدی بن رضاقلی. ۱۳۶۵. رجال وزارت امور خارجه در عصر ناصری و مظفری. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه. ۱۳۷۸.
- اسناد وزارت امور خارجه در خصوص جدایی بحرینی از ایران.
- مزاوی، میشل. ۱۳۶۳. پیدایش دولت صفوی. ترجمه یعقوب. تهران: گستره.
- نوایی، عبدالحسین. ۱۳۷۰. ایران و جهان از مغول تا قاجاریه. جلد ۱. تهران: مؤسسه نشر هما.
- مهران، مجید. ۱۳۸۴. در کردورهای وزارت خارجه چه خبر!؛ خاطرات یک دیپلمات قدیمی. ویراسته فریا افراشته. تهران: نشر تاریخ ایران.
- ملکی، حسین. ۱۳۷۰. دولتمردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت. ۲ جلد. تهران: اشاره.
- در زمینه ایرانشناسی. ۱۳۷۰. به کوشش چنگیز پهلوان. تهران: به نگار.
- عاقلی، باقر. ۱۳۸۱. خاندانهای حکومتگر در ایران. تهران: علمی.
- رانسیمان، استیون. ۱۳۶۰. تاریخ جنگ‌های صلیبی. ترجمه منوچهر کاشف. ۲ جلد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عنان، محمد عبدالله. ۱۳۶۶. تاریخ دولت اسلامی در اندلس. ترجمه عبدالحمید آیتی. ۵ جلد. تهران: مؤسسه کیهان.
- میرکیانی، حسن. ۱۳۸۰. از نطنز تا شیکاگو: زندگینامه شخصی. به کوشش حسینعلی دادخواه. تهران: دادخواه.
- افشار، پرویز. ۱۳۹۴. سفیر بدون سفارت و کیل بدون وکالت: خاطرات سی و چهار سال خدمت در وزارت امور خارجه. تهران: کویر.